

دکتر پیمان سلامتی ■

متخصص پزشکی اجتماعی و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی تهران

«پزشکی شدن»؛ اقتدار یا افول پزشکی؟

در ژوئن سال ۲۰۰۵، تعدادی از دانشمندان علوم مختلف در شهر نیویورک جمع شدند تا در مورد ابعاد مختلف کلینیکی، فلسفی و سیاسی پزشکی شدن بحث نمایند. سوال محوری این نشست این بود: آیا در جهان صنعتی امروز پزشکی شدن هنوز نظریه‌ای پویا در تعاملات پیچیده و گاهی متناقض پزشکی، کمپانی‌های داروسازی و فرهنگ در مقیاس وسیع می‌باشد؟

الف) مجله Lancet پزشکی شدن (medicalization) را چنین تعریف می‌کند: پزشکی شدن پدیده اکتشافی ایوان ایللیچ (Ivan Illich) در سال ۱۹۷۵ در کتاب خود با عنوان «طب: فرشته انتقام و مصادره به مطلوب سلامت»^(۱) است. پزشکی شدن فرآیندی است که در آن حالات یا خصوصیات از زندگی روزمره به مباحث پزشکی تبدیل شده و در حیطه کار پزشکان و متخصصان سلامت قرار گرفته تا به آنها پردازند و مطالعه و درمان‌شان کنند.^(۲) ایوان ایللیچ (۲۰۰۲-۱۹۲۶) متفکر اتریشی در وین متولد شد. در دانشگاه گریگوریان رم، الهیات و فلسفه خواند و درجه دکترای تاریخ را از دانشگاه سالزبورگ اخذ کرد. او بنیان‌های پزشکی معاصر را به نقد کشید و در نوشته‌هایش این موضوع را مطرح کرد که پزشکی تلاش می‌کند مسایل عادی زندگی بشری را به مشکلات پزشکی تبدیل نماید. او در کتاب خود می‌نویسد: «جامعه امروز ما، جامعه‌ای بیمارگون است که در آن حرفه پزشکی، با مرض‌سازی خود را به مذهبی جهانی و فراگیر بدل ساخته است.» حرفه پزشکی است که تصمیم می‌گیرد کدام بیمار، پس از تحمل کدام دردها و حقارت‌ها وقت مردنش رسیده است. حرفه پزشکی، سلامت آدمیان را تا واپسین ذره‌اش به نفع خود مصادره کرده است.^(۱)

«پزشکی شدن»: اقتدار یا افول پزشکی؟

ایلیچ هشدار داد که پزشکی در حال ایجاد یک سلامت آسیب رسان (Pathologising health) است تا خود را به عنوان یک منبع ارتقای سلامت استوار کند^(۳) پس از ایلیچ در بیش از سه دهه گذشته این مفهوم مورد توجه سایر اندیشمندان قرار گرفت، به گونه‌ای در این زمینه می‌توان به آثار افرادی چون سزاس، پیت، فریدسون، فوکو، زولا و اشنایدر اشاره کرد که همگی توسعه‌طلبی و حرفه‌ای‌گری و تلاش پزشکان برای گسترش و حفظ تسلط پزشکی را به عنوان نیروی محرکه و موتور فرآیند پزشکی شدن معرفی کرده‌اند. پتر کنراد (Peter Conrad)، جامعه شناس مشهور آمریکایی در مقاله خود با عنوان پزشکی شدن و کنترل اجتماعی در سال ۱۹۹۲ می‌گوید: «پزشکی شدن فرآیندی را نشان می‌دهد که از طریق آن شمار چشمگیری از موضوعات، وقایع، خصایص و مسایل انسانی نظیر تولید مثل، تولد، کودکی، سالخوردگی، مادری، یانگی، اعتیاد، الکلیسم، پرخاشگری، چاقی، نوع دوستی، افت تحصیلی، نوآوری که زمانی طبیعی و عادی تلقی می‌شدند و یا در حیطه‌ها و علوم غیرپزشکی تعریف، دسته بندی و مدیریت می‌شدند در قلمرو اقتدار پزشکی (medical jurisdiction) وارد یا به نفع پزشکی مصادره و در نهایت توسط رویکردها، تعاریف، ابزارها و مداخله‌های پزشکی کنترل و مدیریت می‌شوند. شکل جمعی پزشکی شدن یا پزشکی شدن جامعه به این امر اشاره دارد که دست‌کم در نیم قرن گذشته قلمرو اجتماعی سلامت و ناخوشی متحول شده پزشکی به طور فزاینده‌ای به ساحتهای مختلف زندگی عادی و روزمره ما سرایت کرده است.»^(۴)

ب) نظریه پردازان فوق در تایید مدعای خود به پزشکی شدن برخی از مباحث بیشتر می‌پردازند عناوینی همچون پزشکی شدن تولدو زایمان، پیری و مرگ، رفتارهای جنسی، پزشکی شدن و روان پزشکی، پزشکی شدن و اعتیاد همگی در این چارچوب قرار دارند. در این بخش فقط به یکی از مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

تجارت با بیماری

(disease mongering):

وقتی به افراد سالم بگویند بیمار هستند پول زیادی می‌توان به دست آورد. برخی از شکل‌های پزشکی شدن زندگی عادی را می‌توان امروزه با اصطلاح تجارت با بیماری توصیف کرد. توسعه مرزهای بیماری‌های درمان پذیر بازار فروش را برای کسانی که درمان‌ها فراهم می‌کنند و فروشنده مساعد می‌کند.^(۵) در این میان برخی از کمپانی‌های داروسازی نیز حداکثر تلاش را برای کسب درآمد سرشار انجام داده‌اند. پدیده‌ای که امروزه با عنوان تبلیغ مستقیم برای مشتری (DTC = direct-to-consumer advertisements) در حال رشد است و بدین ترتیب کارخانه‌های داروسازی با تبلیغ گسترده خود به بیماران می‌آموزند که برای هر دردی دارویی وجود دارد و اینکه چه دارویی با چه مارکی و به چه میزان مورد نیاز آنهاست. موجهی که از ایالات متحده آمریکا شروع شده و پزشکان اروپایی نگران از دامگیر شدن آنها هستند.^(۶) با کمال حیرت کمپانی‌های داروسازی در برخی از موارد یافته‌های پزشکی را نیز ملعبه تجارت خود کرده، به استفاده از برخی از پژوهش‌های غیر معتبر قصد تسلط روزافزون بر این بازار آشفته را دارند. مثال بارز این رخداد را می‌توان با معرفی داروی Bidil (ترکیبی از دو داروی ژنریک قلبی) با عنوان نخستین داروی مبتنی بر نژاد جهت درمان نارسایی قلبی سیاه‌پوستان و چگونگی اخذ تاییدیه FDA برای آن مشاهده کرد. پدیده‌ای که از آن به عنوان پزشکی شدن نژاد (medicalization of race) نیز یاد می‌شود.^(۷)

ج) پل استار، تافلر، مکینلی، ماریسو و کلارک متفکرانی هستند که در دو دهه اخیر به موضوع افول تسلط پزشکی پرداخته‌اند. الوین تافلر در کتاب خود با نام «تحول قدرت: دانش، ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم» با نامیدن پزشکان با عنوان خدایان سفید پوش نزول اقتدار سنتی آنها را

به صورت قدرت پنجر شده خدای سفیدپوش ابراز می‌کند و بیان می‌دارد که در سراسر دوران اوج تسلط پزشک‌سالاری، پزشکان دانش پزشکی را کاملاً در اختیار داشته و راه نفوذ آن را در جامعه بسته بودند. نسخه‌های پزشکی به لاتین نوشته می‌شدند که برای این حرفه، نوعی رمز نیمه‌سری فراهم می‌آورد و بسیاری از بیماران را در جهل نگاه می‌داشت. نشریه‌ها و کتاب‌های پزشکی به مخاطبان حرفه‌ای محدود بود. درهای کنفرانس‌های پزشکی به روی عوام و افراد غیرعلمی بسته بود. پزشکان برنامه‌های درسی و پذیرش دانشکده‌های پزشکی را تحت کنترل داشتند. اما امروزه وضعیت کاملاً فرق کرده است. بیماران به طور شگفت‌انگیزی به

دانش پزشکی دسترسی دارند. در واقع در دوران جدید هر کسی با در اختیار داشتن کامپیوتر شخصی و یک مودم می‌تواند از منزل خود با پایگاه‌های داده ای همچون ایندکس مدیکوس در تماس باشد و درباره هر موضوعی از بیماری آدیسون تا قارچ زایگومیست مطالبی علمی به دست آورد و در خصوص یک بیماری از آنچه یک پزشک معمولی وقت مطالعه آن را داشته باشد بیشتر اطلاعات جمع آوری کند.^(۸) همچنین مکینلی و ماریسو در مقاله خود با عنوان «زوال عصر طلایی طبابت» هشت عامل مرتبط با هم برای کاهش اقتدار حرفه پزشکی را نام بردند که شش مورد آن برنوزا و شامل موارد زیر است: ماهیت در حال تحول دولت و فقدان حمایت جانبدارانه و پرحرارت آن از امر طبابت، بوروکراتیزه شدن (پیدایش شخصیت حقوقی) عمل طبابت، ظهور شیوه‌های درمانی رقیب و مکمل در نظام مراقبت‌های سلامتی و پزشکی، دلالت‌ها و تبعات ناشی از جهانی شدن و انقلاب اطلاعاتی، تحول اپیدمیولوژیک و تغییراتی در ادراک عمومی از بدن، وقوع تغییراتی در مناسبات پزشک-بیمار و کاهش اعتماد افراد بیمار به پزشک. همچنین دو عامل درون‌زا نیز مشتمل بر موارد زیر می‌باشند: تضعیف

موقعیت بازار پزشکان به علت تربیت و عرضه مضاعف و بیش از حد نیاز نیروی انسانی در حوزه پزشکی و تداوم تکه پاره کردن اتحادیه پزشکان به علت تمایزات روزافزون مربوط به تخصص‌ها و فوق تخصص‌ها. (د) ایوان ایلیچ را کسانی که در حوزه آموزش و پرورش هستند بهتر از ما در حوزه علوم پزشکی می‌شناسند. ایلیچ آثار متعددی در این زمینه به فارسی ترجمه شده است. مقاله بسیار مشهور ایلیچ با عنوان «مدرسه: گاو مقدس» در سال ۱۹۶۸ از نخستین آثار او در مقوله آموزش است. در این مقاله، ایلیچ به سختی به نظام آموزشی جاری می‌تازد و آن را زیر سوال می‌برد زیرا که این نظام به شدت دچار تمرکز گرای، بوروکراسی درونی، خشک فکری و جایگاهی برای نابرابری‌ها شده است. مجموعه مقالات و سخنرانی‌های او در قالب کتابی با عنوان «جامعه مدرسه‌زدا» در سال ۱۹۷۱ منتشر شد^(۹) و به فارسی نیز ترجمه شده است. از نگاه ایلیچ، مدرسه فروشنده برنامه درسی است و نتیجه فرآیند تولید برنامه درسی چیزیه همانند سایر کالاها تولیدی دنیای مدرن است. به نظر وی، مدرسه‌ای که نتواند به دانش آموز کمک کند شخصیت خود را بشناسد یا بنای شخصیتی راستین را بی‌افکند و به رشد شناختی همراه با برنامه ریزی دست یابد، مدرسه واقعی نیست. (ه) شاید بزرگ‌ترین خطای ایلیچ این باشد که چه در حوزه آموزش و چه در حوزه جامعه‌شناسی پزشکی وضعیت جاری را به طور افراطی غیرموثر می‌داند. ماهیت رادیکال عیب‌جویی‌های ایلیچ سبب شده است نتواند راهبرد واقع‌گرایانه‌ای را در نهایت ارائه کند. به علاوه آنچه ایلیچ می‌گوید بیشتر شهودی است و بنیانی برآمده از شواهد (evidencebased) نیست. آکس اسکات سامویل به تغییرات دیدگاه ایلیچ در طول زمان اشاره می‌کند و اعتقاد دارد که وی سالیان بعد نگاه ملایم‌تری درباره پزشکی پیدا کرده است.^(۱۰)

به هر حال جنبش فکری که ایلیچ به راه انداخت به هر میزان صحیح و یا غلط باشد به عنوان فیلسوفی تاثیرگذار جای مذاقه و تامل دارد. به همین علت است که می‌توان ادعا کرد گردهمایی ژوئن ۲۰۰۵ نیویورک نیز به پاسخ روشنی نرسیده است. مرحوم ایلیچ در سخنرانی ۱۴ سپتامبر ۱۹۹۰ خود در هانوفر آلمان با عنوان «سلامت به عنوان مسوولیت فرد؟ نه متشکر!» بیان می‌دارد: ما هرگز نمی‌توانیم درد را از بین ببریم. ما هرگز همه اختلالات را درمان نمی‌کنیم. ما مطمئناً خواهیم مرد.

... من همگان را دعوت می‌کنم تا نگاه و فکرشان را از نگرانی درباره مراقبت از سلامت به هنر زندگی کردن و امروز با ارزشی برابر به هنر مردن و هنر رنج بردن معطوف دارند. ■

منابع:

- Illich I. Limits to medicine: Medical nemesis: the expropriation of health. London. Marion Boyars, 1975.
- Mc Lellan F. Medicalization: a medical nemesis. Lancet. 2007; 396: 627-628
- Levin L. Ivan Illich: He lived his own testimony. J Epidemiol Community Health. 2003; 57: 925
- Conrad P. Medicalization and social control. Annual Review of Sociology. 1992; 18: 209-32
- Moyinhan R, Heath I and Henry D. Selling Sickness: the pharmaceutical industry and disease mongering. BMJ. 2002. 13; 324 (7342): 886-891.
- Metz JM. If Direct – to – consumer Advertisements come to Europe: lessons from USA. Lancet. 2007; 369: 704- 706.
- Duster T. Medicalization of Race. Lancet. 2007; 369: 702- 704
- Alvin Toffler. Powershift: knowledge, wealth and violence at the edge of the 21st century. Bantam Books. 1990
- Illich I. Deschooling Society. World Perspectives. 1971
- Scott- Samuel A. Less medicine, more health. J Epidemiol community Health. 2003; 57: 935.